

جامعه‌شناسی کاربردی

سال بیست و یکم - شماره پیاپی (۳۸) - شماره دوم - تابستان ۱۳۸۹

تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۹

صص ۱۶۸-۱۳۷

مقایسه‌ی اثربخشی فرآیند داوری و مشاوره‌ی خانواده بر کاهش تعارض زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانوادگی شهر اصفهان

صدیقه علیمردانی، کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان*

ایران باغبان، استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

مریم‌السادات فاتحی‌زاده، استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

محمود جلالی، استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر فرآیند داوری بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق و مقایسه‌ی آن با فرآیند مشاوره می‌باشد. در این راستا ۱۵ زوج داوری و ۱۵ زوج مشاوره به صورت نمونه‌ی در دسترس از زوجین مراجعه‌کننده به مرکز "مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق" سازمان بهزیستی شهر اصفهان مورد ارزیابی قرار گرفتند. روش پژوهش شامل دو روش: (۱) توصیفی از نوع پیمایش (۲) نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون بوده است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی تعارضات زناشویی ثنایی و براتی و همچنین پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی تعارضات زناشویی قلبی و فاتحی‌زاده استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل نتایج از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که فرآیند داوری بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد آن در زوجین متقاضی طلاق مؤثر نبوده است ($p > 0.05$) در صورتی که فرآیند مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد آن در زوجین متقاضی طلاق مؤثر بوده است ($p < 0.05$). در هیچ یک از فرآیندهای داوری و مشاوره تفاوتی در تأثیر بر حسب جنسیت مشاهده نشد ($p > 0.05$).

واژه‌های کلیدی: داوری خانوادگی، مشاوره، تعارضات زناشویی، زوجین متقاضی طلاق.

Email: mandanalimardani@yahoo.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۷۰۵۶۱۶۳

مقدمه

نهاد خانواده، مقدس‌ترین نهاد از دیدگاه اسلام است. ازدواج به عنوان یک پیوند مقدس و ضروری، دارای کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی، مورد تأکید این دین می‌باشد. اسلام با طلاق سخت مخالف بوده و تا حد امکان در صدد است، صورت نگیرد و در این راستا جهت پرهیز خانواده‌ها از طلاق همه‌ی تلاش خود را بکار می‌بندد. ولی در عین حال در مواردی که مصالح مهمتر ایجاب کند، ممنوعیت مطلق برای طلاق قائل نشده است (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۳۹). یکی از راهکارهایی که دین اسلام جهت جلوگیری از طلاق و فروپاشی خانواده مطرح می‌کند، حکمیت یا داوری است. برحسب یک تعریف عام، داوری روندی از قضاوت غیررسمی توسط کسی است که در یک بحث یا مشاجره شرکت دارد، این شخص کسی است که از سوی گروه‌های مقابل و رودررو انتخاب شده است (جلالی، ۲۰۰۶: ۱۲۲). یا می‌توان گفت داوری رفع اختلاف از طریق حکمیت اشخاصی است که اصحاب دعوا به تراضی انتخاب کرده یا مراجع قضایی به قید قرعه برگزیده‌اند (مدنی، ۱۳۷۲: ۳۲). اهمیت داوری در حقوق خانواده، از آن روست که افراد سعی می‌کنند تا از بروز و ظهور مسائل و اختلافات خانوادگیشان خودداری کرده و تا حد امکان از حضور رسمی سازمان‌های قضایی در این حریم جلوگیری کرده و برای حل چنین معضلاتی از مرجعی خصوصی‌تر استقبال نمایند. دیگر آنکه بوجود آمدن اختلاف میان زن و شوهر امری شایع و کاملاً طبیعی است، اما آنچه در این میان اهمیت دارد، اعمال برخوردی حساب شده و به دور از پیشداوری توسط هر یک از زن و شوهر می‌باشد. نگاهی به منازعات زوجین و خصوصاً زوجهای جوان و همچنین مراجعه به پرونده‌های مربوط به

طلاق در محاکم ما گویای این حقیقت تلخ است که در بسیاری از موارد ناکامی زن و شوهر در زندگی مشترک ناشی از عدم توانایی و یا بی‌اطلاعی ایشان از برخوردی واقع بینانه با مسائل و مشکلات می‌باشد. این توصیه قرآن است که باید به حکمیت تن داد و حتی برخی از فقهای ما بحث از وجوب قضیه کرده و انتخاب حکم را قبل از طلاق امری واجب دانسته‌اند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۲). و ان خفتم شقاق بینهما... این آیه اشاره به مسئله‌ی بروز اختلاف و نزاع میان دو همسر کرده، می‌گوید: اگر نشانه‌های شکاف و جدایی در میان دو همسر پیدا شد، برای بررسی علل و جهات ناسازگاری و فراهم نمودن مقدمات صلح و سازش یک داور و حکم از فامیل مرد و یک داور و حکم از فامیل زن انتخاب کنید، سپس می‌فرماید: ان یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما: اگر این دو حکم با حُسن نیت و دلسوزی وارد کار شوند و هدفشان اصلاح میان دو همسر بوده باشد، خداوند کمک می‌کند و به وسیله‌ی آنان میان دو همسر الفت می‌دهد و برای اینکه به حکمین هشدار دهد که حسن نیت به خرج دهند، در آخر آیه می‌فرماید: خداوند از نیت آنها باخبر و آگاه است، ان الله کان علیماً خیراً (نساء/آیه ۳۵). علی‌رغم تأکیدات فراوان اسلام نسبت به اهمیت داوری خانوادگی، آنچه که امروزه در محاکم خانواده به وضوح مشاهده می‌شود و قضات محاکم خانواده به آن اذعان دارند این است که داوری خانوادگی که در قانون ایران ذکر گردیده است به صورت امری تشریفاتی و صوری درآمده و نتایج قابل قبولی نداشته و کمتر مواردی مشاهده می‌شود که داوران در جهت سازش توفیق داشته باشند و اگر هم در مواردی جهت سازش اقدام نموده‌اند، بسیار نادر است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصل نهاد داوری اشکال دارد یا ترتیب اجرای آن، آن گونه که

از راهکارهای قطعی کاهش طلاق است. بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در کشور نشان می‌دهد که حلقه مفقوده‌ای به نام آموزش و فرهنگ سازی و همچنین کم‌رنگ بودن جایگاه مشاوره و مددکاری اجتماعی باعث افزایش تدریجی طلاق در سال‌های اخیر شده، از این رو ضروری است که گاهی در کنار ارائه آمار و هشدار، نیم‌نگاهی هم به فرهنگ سازی در مورد نقش مداخلات تخصصی و مشاوره در سازش زوج‌ها داشته باشیم چرا که همه می‌دانیم و مسئولان نیز به خوبی به این امر واقف هستند که کانون خانواده‌ها در معرض خطر فروپاشی قرار دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

زمانی که نفرت و اختلاف عمیق و مخاصمه به کانون خانواده راه می‌یابد، بقای نظم خانوادگی بین افراد آن متزلزل و دشوار می‌گردد. این ستیزه‌های خانوادگی که سرانجام به جدایی و طلاق می‌انجامد، رفتاری است نابهنجار و غیر طبیعی. اثرات طلاق در مردان این است که آنان را افرادی غیر متعهد بار می‌آورد، آمار جنایی نشان می‌دهد که تعداد این افراد غیرمتعهد در میان زندانیان قابل ملاحظه است. اثر طلاق در زنان به خصوص آنهایی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند، سخت خطرناک است. زنان مطلقه خیلی دیر به خانه بخت دوم پای می‌گذارند و ای بسا که این امید هرگز جامعه عمل نپوشد و احتمالاً راه را برای انحراف و سقوط به سوی آنان بگشاید. اثر طلاق همچنین در فرزندان متعلق به کانون از هم پاشیده، بسیار شدید است و عقده‌های غیرقابل تحمل و توأم با نفرت در آنان بوجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است (فرجاد، ۱۳۷۲: ۱۵).

جدایی و طلاق والدین برای تمام اعضای خانواده استرس بزرگ محسوب می‌شود. تجربه جدایی و طلاق ممکن

در قانون گنجانده شده است؟ بدیهی است با توجه به اینکه اصل ارجاع امر به داوری که برگرفته از دستور صریح خداوند متعال در آیه شریفه ۳۵ سوره نساء است، نمی‌تواند اشکال داشته باشد، زیرا خداوند علیم و آگاه است و احکام و دستورات خداوند نیز ناشی از علم و تدبیر الهی است و به هیچ وجه در اثرات مطلوب آن نمی‌توان شک کرد. لیکن نحوه‌ی اجرای داوری، می‌تواند اشکال داشته باشد (نوریان، ۱۳۸۶: ۱۶). مشاوره و مددکاری اجتماعی نقش بسیار مهمی در کاهش تنش‌ها و اختلافات خانوادگی دارد. متأسفانه در جوامع شهری که ارتباطات خانوادگی کمتر است و مشغله‌های متعدد زندگی وقتی را برای با هم بودن باقی نمی‌گذارد، تنش و اختلافات زندگی قبل از اینکه با ریش سفیدی و کدخدانمنشی برطرف شود منجر به تشکیل پرونده طلاق می‌گردد. تشکیل پرونده و تقاضای طلاق هم در ۷۰ درصد موارد زمانی است که مشکل حادث شده و با ریش سفیدی و دخالت اطرافیان برطرف نمی‌شود. بنابراین در این مرحله نیاز به مداخلات تخصصی و مشاوره‌های خانوادگی و مددکاری است تا با ریشه‌یابی مشکلات و داوری بی طرف بین زوجین، صلح و سازش را در میان آنها برقرار کرد. در حال حاضر مشاوره اصل فراموش شده‌ای است که اگر برای آن ارزش قائل شده و برای رفع مشکلات خانوادگی در جامعه نهادینه شود، بسیاری از پرونده‌های طلاق در مراحل اولیه منجر به سازش طرفین می‌شود و آمار طلاق کاهش می‌یابد؛ به طوری که آمارهای به دست آمده نشان دهنده اهمیت مشاوره است. بررسی پرونده‌های طلاق نشان می‌دهد که طلاق علل مختلفی از جمله علل روانی، اجتماعی، اقتصادی و رفتاری دارد، بنابراین استفاده زوج‌ها از مشاوره و مددکاری اجتماعی در کاهش آمار طلاق بسیار موثر است. گسترش مشاوره‌های خانوادگی و تخصصی و فرهنگ بهره‌گیری از مشاوره در مواقع بحرانی و بروز اختلاف در میان خانواده‌ها

بنابراین برای اینکه با انحلال و فروپاشی نهاد خانواده روبرو نشویم، بایستی چاره‌اندیشی نماییم. اسلام در هنگام بروز اختلافات خانوادگی که در بیشتر موارد به طلاق و جدایی می‌انجامد، نهاد داوری (حکمت) را پیشنهاد می‌کند، که این نهاد در صورت نهادینه شدن می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات موجود در این زمینه باشد. متأسفانه علیرغم اهمیت و نقش داوری در اسلام و حقوق ایران پژوهشی در این زمینه نه توسط حقوق دانان و نه توسط محققینی که با مطالعات زنان و امور خانواده سر و کار دارند صورت نگرفته است. این تحقیق بر آن است که تأثیرات داوری را در حل و کاهش اختلافات خانوادگی بسنجد، سپس با فرآیند مشاوره‌ی خانواده مقایسه نماید.

اهداف پژوهش

- ۱- تعیین اثربخشی داوری بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق.
- ۲- تعیین تفاوت اثربخشی داوری بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق بر حسب جنسیت.
- ۳- تعیین اثربخشی مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق.
- ۴- تعیین تفاوت اثربخشی مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق بر حسب جنسیت.
- ۵- تعیین تفاوت اثربخشی داوری و مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق.
- ۶- تعیین رابطه بین ویژگی‌های دموگرافیک و تعارضات زناشویی.

است منجر به واکنش‌های سازگاری کوتاه مدت و بلند مدت شود. در مقایسه‌ی فرزندان طلاق و فرزندان خانواده‌های طبیعی دیده شده است که همواره مشکلات رفتاری در فرزندان طلاق شدیدتر و متنوع‌تر بوده و دامنه‌ی آن مشکلاتی از قبیل اختلال سلوک، مشکلات هیجانی، عملکرد تحصیلی، عزت نفس و ارتباط با والدین را شامل می‌شود. طلاق باعث بروز تغییرات همه‌جانبه در زندگی زناشویی می‌شود که این تغییرات بر سلامت روان والدین تأثیر گذاشته و میزان این تأثیر به فاکتورهای شخصی و زمینه‌ای متعددی بستگی دارد. طلاق باعث می‌شود والدینی که حضانت کودک را به عهده گرفته‌اند، تغییرات عمده‌ای را در زندگی‌شان تجربه کنند. این تغییرات عبارتند از: تهیه مسکن برای نگهداری از فرزندان، مشکلات مالی و اقتصادی، تنهایی که به دنبال تغییر در شبکه اجتماعی فرد بوجود می‌آید و بالاخره فشار فراتر از طاقتی که ناشی از مسئولیت سنگین مراقبت از کودکان در منزل و کار بیرون از منزل بر یک فرد تحمیل می‌شود. والدی که حضانت فرزندان را به عهده ندارد نیز همه تغییرات بالا بجز مورد آخر را تحمل می‌کند. تغییر محل سکونت زوجی که از یکدیگر جدا شده‌اند، وضعیت اقتصادی آنها، شبکه اجتماعی و مقتضیات نقشهای جدید هر یک از آنها در بسیاری از این گونه افراد بلافاصله، منجر به وخامت وضعیت، سلامت جسمی و روانی شان بعد از جدایی می‌شود (فاتحی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۵). کاهش اختلافات خانوادگی می‌تواند باعث سلامت جسمی و روانی زن و مرد (کاهش بیماری سرطان، افسردگی، وسواس، اضطراب و...)، سلامت جسمی و روانی فرزندان (کاهش اختلالات رفتاری، افسردگی و...)، سلامت جسمی و روانی خانواده‌های اصلی (پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمه، خاله، دایی، عمو...)، بهبود عملکرد شغلی و اجتماعی زن و شوهر و بهبود عملکرد تحصیلی و اجتماعی فرزندان شود.

پیشینه‌ی پژوهش

بررسی منابع موجود در رابطه با موضوع مورد پژوهش می‌تواند، اطلاعات مفیدی را در اختیار ما قرار دهد و تحقیق را غنی‌تر نماید. بخصوص اگر از جنبه‌های مختلف، موضوع مورد بررسی قرار گرفته باشد. در رابطه با پژوهش مورد بحث تاکنون پژوهشی تحت این عنوان در کشور انجام نشده است ولی به چندین نمونه اشاره می‌شود که تا حدودی به موضوع مورد بحث ارتباط دارد. برخی از پژوهش‌هایی که در داخل کشور در زمینه‌ی تعارض و شیوه‌های درمان آن انجام شده‌اند از این قرارند:

خلیلی (۱۳۷۸) در پژوهش «بررسی تضاد در خانواده، با تأکید بر تضاد میان همسران و عوامل مؤثر بر آن» به بررسی تضاد میان همسران و ابعاد آن و شدت و محتوای تعارض پرداخت. ابزار تحقیق، مصاحبه با ۲۰۰ زن متأهل که با همسر خود زندگی می‌کردند، بود. این پرسش‌نامه حاوی ۱۰۵ سؤال بسته و باز برای سنجش متغیرهای مستقل و ۱۵ گویه برای سنجش تضاد در قالب طیف گاتمن و ۳۱ گویه برای سنجش محتوای تضاد در قالب طیف برش قطبین بود. در نهایت میانگین تضاد کل در خانواده که حاصل از ترکیب شدت و محتوای تضاد بود، ۴۱٪ یعنی تضاد بین کم تا متوسط بدست آمد.

دهقان (۱۳۸۰) در تحقیق «مقایسه‌ی تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره‌ی زناشویی غیر متقاضی طلاق» دریافت بین این دو گروه از زنان در مؤلفه‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزند، کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان تفاوت معناداری وجود دارد. اما در مؤلفه‌های کاهش رابطه‌ی جنسی، افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، جدا کردن امور مالی نیز تفاوت

معناداری بین دو گروه مشاهده نشد، به طور کلی تعارضات زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق بیشتر از زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره‌ی زناشویی بود.

ظهیرالدین و خدای‌فر (۱۳۸۲) در پژوهش خود به «بررسی نیمرخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده» شهرستان تهران پرداختند. روش با مراجعین مستمر بود. افراد مورد بررسی دو پرسش‌نامه حاوی اطلاعات دموگرافیک و پرسش‌نامه نیمرخ شخصیتی چند وجهی مینه سوتا (MMPI) را پر کردند. نتایج تحقیق نشان داد رفتارهای تکاملی، روابط مختل بین فردی، خلق بی‌ثبات، خودبیمارانگاری، بدگمانی، اختلال انطباق، افسردگی معمول، اضطراب، وسواس و هراس بیشترین یافته‌ها در نیمرخ شخصیتی مراجعین طلاق بود. این پژوهش لزوم مشاوره و روانشناسی قبل از ازدواج و قبل از طلاق را تأیید می‌کند و بررسی تجربی آن را توصیه می‌نماید.

عامری، نوربالا، اژه‌ای و طباطبایی (۱۳۸۲) در پژوهش خود به بررسی «تأثیر مداخلات خانواده درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی» پرداختند. به این منظور ۳۹ زوج از زوجینی که برای حل اختلافات زناشویی به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، بطور تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۱ زوج) و گواه (۱۸ زوج) قرار گرفتند. نتایج بدست آمده نشان داد که مداخلات خانواده درمانی راهبردی نه تنها منجر به افزایش رضایت زناشویی در بین گروه آزمایش شده، بلکه تعارضات بین فردی آنان را نیز کاهش داده است. این مداخلات در زنان مؤثرتر بوده است.

قلیلی رنانی (۱۳۸۴) در پژوهش خود به بررسی «تأثیر شیوه‌های گفتگوی مؤثر و حل تعارضات زناشویی زوجین» شهر اصفهان پرداختند. در این پژوهش ۶۰ نفر از زوجین «کانون بانوان» که دارای مشکل زناشویی بوده، انتخاب و به

صورت تصادفی در سه گروه گفتگوی مؤثر، حل مسأله و گواه جایگزین شدند. نتایج نشان داد که شیوه‌های آموزش گفتگوی مؤثر و حل مسأله در کاهش تعارض زناشویی مؤثر بوده‌اند ($p < 0/01$). بین تأثیر این دو شیوه بر تعارض زناشویی تفاوتی وجود ندارد. شیوه گفتگوی مؤثر بر خرده مقیاس‌های کاهش همکاری، کاهش رابطه‌ی جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند و جداکردن امور مالی مؤثر بوده است و شیوه حل مسأله علاوه بر خرده مقیاس‌های فوق بر متغیر افزایش رابطه با خویشان خود نیز تأثیر داشته است.

هدایت نیا (۱۳۸۴) در پژوهشی به نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجرا پرداختند. که مباحثی همچون مفهوم و ماهیت حکمیت، سیر تحول داوری، موضوع و قلمرو داوری، نحوه‌ی انتخاب داوران در قرآن، منابع فقهی و قوانین موضوعه، مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن با یک بررسی آماری معلوم گردید؛ این قانون به جهت نقصهایی که دارد کارایی لازم را ندارد؛ و آمارها نشان داد که نه تنها داوری در محاکم خانواده فاقد کارآمدی لازم می‌باشد، بلکه در کاهش آمار طلاق مؤثر نبوده است.

چند نمونه از پژوهش‌های خارجی در زمینه‌ی تعارضات زناشویی و شیوه‌های درمان آن (آذرین و همکاران به نقل از قلیلی، ۱۳۸۴) برای حل تعارضات زناشویی از روش گفتگوی دو جانبه استفاده نمودند و ضمن آموزش از هر یک از همسران خواستند جنبه‌های مطلوب و خوشایند سبک‌های تعامل یکدیگر را به طور مشخص و محدود بیان کنند. همچنین به آنها کمک می‌شد تا برای افزایش این رفتارهای مطلوب گفتگو کنند. این روش به تعاملات پاداش بخش‌تر منجر شد.

(کرییر^۱ و همکاران، ۲۰۰۰) در یک مطالعه طولی تحت عنوان «پیش‌بینی ثبات زناشویی و طلاق در زوج‌های تازه ازدواج کرده» ۹۵ زوج را مورد آزمون قرار دادند که در آن قدرت مصاحبه شرح حال شفاهی^۲ در پیش‌بینی ثبات روابط زناشویی و طلاق مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله اول تجزیه و تحلیل مصاحبه با زوجین این نتیجه بدست آمد که یک متغیر نهفته در پیوندهای زناشویی وجود دارد که عامل مهمی، در پیش‌بینی ثبات زناشویی و طلاق در طول پنج سال اولیه است. یک نتیجه مشخص از تحلیل اطلاعات شرح حال شفاهی زوجین تازه ازدواج کرده، با ضریب اطمینان ۸۷/۴٪ ثبات ازدواج‌ها و یا جدایی زوجین را در مرحله دوم پیش‌بینی کرد و این نتیجه در مرحله سوم با ۸۱٪ دقت و اطمینان بدست آمد. این مطالعه پیشنهاد حمایت از ارتباط علی بین پیش‌داوری هوشمندانه و توجه خاص را در طول مسیر ازدواج دارد.

(مارکمن و همکاران به نقل از شیری، ۱۳۸۷) جان گاتمن و همکارانش آزمایش‌های علمی را به مدت ۲۰ سال بر روی بیش از ۲۰۰۰ زوج، با استفاده از دوربین‌های ویدئویی، مونیتورهای EKG و به ویژه ابزار طراحی شده برای مشاهده رخداد‌های هنگام تعامل زوج‌ها، اجرا کردند. آنها به مشاهده چگونگی گفتگوی زوج‌ها با یکدیگر پرداخته و تظاهرات چهره، ژست‌ها، رفتارهای عصبی و نظایر آن به علاوه نشانه‌های فیزیولوژیکی مانند تغییرات ضربان قلب و تنفس را در طول تعارض، بررسی نموده، همچنین به مهارت‌های گوش دادن و بیان طعنه و تمسخر و تحقیر نیز توجه کردند. طبق مطالعه گاتمن، نشانه یک ازدواج پایا این است که زوج‌ها برای "یکدیگر مهربان‌تر و خوشایندترند"، نسبت لحظات مثبت به منفی در رابطه آنها ۵ به ۱ است.

¹. Carrere

². oral History Interview

تعارض می‌تواند پشتیبان آنها باشد. اگر همسران روش سازنده‌ای را برای مقابله با تعارض بکار نگیرند، ممکن است به تدریج از یکدیگر جدا شوند. پدیده طلاق یک معرکه ناگهانی نیست، بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است. بنابراین ترس از تعارض و احساسات همراه با آن می‌تواند منجر به عدم درگیری در مسایل و عدم درگیری در مسایل منجر به طلاق هیجانی و نهایتاً طلاق قانونی شود (شیری، ۱۳۸۷: ۹).

چهار مرحله‌ی رو به رشد تعارض زناشویی را جهت توصیف تصمیم طلاق از طرف زوجین مشخص کرده‌اند:

مرحله‌ی اول: معمولاً در سالهای اول ازدواج رخ می‌دهد. در این مرحله مشخصات رابطه، ارتباطی باز با حداقل میزان تعارض است. واکنش منفی نسبت به همدیگر و انتقاد بسیار کم است. بنابراین در این مرحله معمولاً برای تعارضات به دنبال درمان نیستند. اکثر برخوردهای میان درمانگران و زوجین در این مرحله از طریق برنامه‌های روانی، آموزشی یا دوره‌های غنی‌سازی زناشویی انجام می‌گیرد که این برنامه‌ها از طرف کلیساهای محلی، گروه‌های شهروندی و مدارس حمایت می‌شوند.

مرحله‌ی دوم، زوجین تعارض را یک مشکل تعریف می‌کنند، در این مرحله زوجین اضطراب و برانگیختگی هیجانی را تجربه می‌کنند. ارتباطات هنوز باز است اما انتقاد و کشمکش بیشتری وجود دارد که باید کنترل شود. زوجین اغلب اوقات به دنبال درمان هستند تا مسائل زناشویی را جهت خاتمه دادن به اختلافات عنوان کنند.

مرحله‌ی سوم با فضای دراماتیک و هیجانی در رابطه‌ی آنها مشخص می‌شود. اضطراب زیاد است، یکی از زوجین ممکن است فقط برای بدتر کردن اختلاف نظر، نظر مخالفی را اتخاذ کند. وقتی که هر دو طرف در ارتباط برقرار کردن

لحظات مثبت باعث ابراز محبت و ایجاد لذت می‌شود که برای به سلامت گذشتن از باران‌های پرتلاطم، حیاتی‌اند. اگر در مقابل هر تعامل مثبت یک تعامل منفی وجود داشته باشد، زوجین مستعد طلاق‌اند. نشانه‌های خطر شامل عیب‌جویی (حمله به شخصیت همسر)، تحقیر (توهین و سوءاستفاده روان شناختی از همسر)، دفاعی بودن (انکار مسئولیت، بهانه‌گیری و نق‌نق کردن) و دیوارسنگی (کناره‌گیری از مکالمه با سکوت و خاموشی) است. هنگامی که چنین رفتارهایی معمول شود، ازدواج دارای مشکلات جدی است و زوجین به سمت طلاق پیش می‌روند.

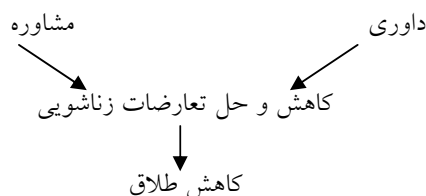
چار چوب نظری

از آنجایی که مردم با نگاه‌های بسیار متفاوتی به جهان می‌نگرند و دارای اهداف متفاوتند، پس تعارض جزء لاینفک و گریز ناپذیر روابط انسانی است. در حقیقت هرچه روابط صمیمانه‌تر باشد، احتمال تعارض بین فردی بیشتر می‌شود. روابط زناشویی زمانی پویا و باقی می‌ماند که این اختلاف نظر به شیوه‌ی درست حل شود. تعارض نباید منجر به خشونت کلامی و جسمانی شود و از سوی دیگر نباید آن را سرکوب کرد و نادیده گرفت. بچ و ویدن^۱ به نقل از اولسون و السون (۲۰۰۱) عنوان می‌کنند که تعارض کلامی اگر سازنده باشد، نه تنها قابل پذیرش بلکه مطلوب است. زوج‌هایی که با هم می‌جنگند در کنار هم می‌مانند، زیرا می‌دانند که چطور با یکدیگر معقولانه‌تر بجنگند. زوج‌هایی که نمی‌جنگند و بنابراین مسایل شان را حل نمی‌کنند، ممکن است از نظر هیجانی از یکدیگر فاصله بگیرند. زمانی که همسران از تعارض و احساسات همراه با آن مثل خشم، حسادت، تنفر برای توجه به جنبه‌هایی از رابطه شان که نیاز به تأمل و کار دارد، استفاده کنند، این

^۱.Bach & wyden

می‌گیرند. در این هنگام مفیدترین کار شاید پیشنهاد درمان فردی به طرفین باشد. مسائل مربوط به حفظ رازداری زمانی که هر دو زوج مراجعین قبلی بودند مسأله ساز می‌شود. در این گونه شرایط افشای هر گونه اطلاعات از سوی یکی از طرفین در مورد جلسات درمانی مستلزم موافقت هر دو طرف است. مسأله‌ی دیگر این خواهد بود که ممکن است یکی از طرفین فکر کند درمانگر از فرد دیگر جانبداری می‌کند که ممکن است نتیجه دادخواهی مختلف باشد (فاتحی‌زاده، باغبان، احمدی ۱۳۸۸: ۵۷).

از جمله روشهای حل و کاهش تعارضات زناشویی و کاهش پدیده طلاق، فرآیند مشاوره است که توسط متخصصین مشاوره و روانشناسان انجام می‌شود و دیگری فرآیند داوری یا حکمیت خانوادگی که توسط سیستم قضایی کشور انجام می‌شود، که به یک امر صوری و تشریفاتی تبدیل شده و کارآمدی لازم را ندارد.



ولی هم اکنون این روش به مراکز مشاوره بهزیستی واگذار شده است.

مشاوره - تعریف نظری: یکی از حرفه‌های یاورانه^۱ است و حرفه یاورانه را می‌توان حرفه‌ای توصیف کرد که اعضای آن از آموزش و گواهینامه ویژه برای انجام خدمتی خاص و مورد نیاز هموعان جامعه خود برخوردارند (ثنایی، ۱۳۷۷: ۳۲). مشاوره انجام چیزی برای کسی نیست، بلکه یک فرایند تعاملی و پویاست که با

با وقایع روزانه ناتوان هستند، میزان انتقاد بالا خواهد بود. ممکن است یکی از طرفین یا هر دو طرف بداخلاق باشند، در این مرحله، زندگی زوجین با بیان کردن علایق شخصی و تعامل اندک در مسیرهای موازی جریان پیدا می‌کند. درمان انتخابی در این مرحله، درمان مشترک زوج است تا اینکه به طور واضح مشخص شود که این رابطه با جدایی یا طلاق خاتمه می‌پذیرد. در این جا نقش درمانگر کمک به طرفین است تا احساسات مبهمشان را روشن سازند. در این مرحله ممکن است حضانت موضوع اصلی باشد، بالاخص در صورتی که هر کدام بخواهند حضانت بچه‌ها را برعهده گیرند. اگر مشاجرات مربوط به حضانت به صورت موضوع اصلی در بیاید، بچه‌ها در جنگ طلاق، آلت دست می‌شوند.

نهایتاً **مرحله چهارم** با تعارض شدیدتر مشخص می‌شود. یکی از طرفین یا هر دو طرف معمولاً در این مرحله وکیل

تعریف مفاهیم؛ داوری - تعریف نظری: زمانی که افراد از مداخله مراجع رسمی (قضایی) در حل و فصل دعاوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان صرف نظر نمایند و به حکمیت خصوصی اشخاصی که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا درستکاری و امانت مورد اعتماد آنها هستند، تسلیم شوند (متین دفتری، ۱۳۴۰: ۲۲).
تعریف عملیاتی: در این پژوهش مقصود از داوری، بکارگیری روشی است که دادگاه‌های خانواده جهت حل و فصل اختلافات خانوادگی زوجین متقاضی طلاق بکار می‌گیرند که قبلاً توسط نظام قضایی کشور اجرا می‌شد

¹.Helping professions

۳- بین داوری و کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۴- بین جنس و تأثیر داوری بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۵- بین مشاوره و کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۶- بین جنس و تأثیر مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۷- بین مشاوره و کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۸- بین جنس و تأثیر مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

۹- بین تأثیر داوری و مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق تفاوت وجود دارد.

۱۰- بین تأثیر داوری و مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق تفاوت وجود دارد.

۱۱- بین ویژگی‌های دموگرافیک و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش؛ از دو روش (۱) توصیفی از نوع پیمایشی (زمینه‌یابی) (۲) نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون استفاده گردید، بنابراین روش این مقاله کمی است، تکنیک آن پیمایش بوده و ابزار آن پرسش‌نامه می‌باشد.

جامعه‌ی آماری پژوهش؛ کلیه‌ی زوجین در دسترس مراجعه کننده به مرکز "مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق" بهزیستی شهرستان اصفهان بود.

گفت و گو درباره نگرانی‌ها، مسائل، روابط، باورها، احساسات و رفتارها آغاز می‌شود، از این طریق چارچوب و ابعاد مسأله‌ای که مراجع درک کرده مشخص، یا به شیوه‌ای کارساز، بازشناسی و تعریف می‌گردد و در طی آن راه‌حل‌های جدید تکوین یافته و مراجع برای انتخاب راه‌حل مناسب، تصمیم‌گیری و اجرای آن یاری و حمایت می‌شود (صفوی، ۱۳۷۰: ۶-۲۷).

تعریف عملیاتی: مقصود از مشاوره در این پژوهش بکارگیری روش کاهش و حل تعارضات زوجین متقاضی طلاق می‌باشد که توسط مشاورین و روانشناسان مراکز مشاوره بهزیستی انجام می‌شود.

تعارضات زناشویی - تعریف نظری: تعارضات زناشویی هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت است که در جهت حذف امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌دهد بدیهی است که طرفین نزاع بر آن‌اند که به حریف خود آسیب برسانند، تاکتیک‌ها او را خنثی کنند و بالاخره او را از صحنه بیرون کنند (براتی، ۱۳۷۵: ۳۶). **تعریف عملیاتی:** در این پژوهش، تعارضات زناشویی نمره‌ای است که زوجین متقاضی طلاق در پرسش‌نامه‌های تعارضات زناشویی بدست آورده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش:

۱- بین داوری و کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

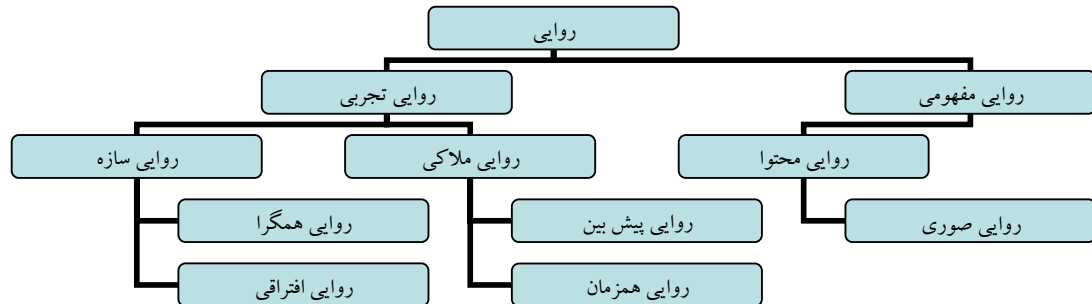
۲- بین جنس و تأثیر داوری بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نمونه و روش نمونه‌گیری: از بین زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق ۱۵ زوج در گروه داوری و ۱۵ زوج در گروه مشاوره قرار گرفتند. لازم به ذکر است کلیه متقاضیان طلاق این مرکز که جهت داوری به این مرکز مراجعه می‌کردند زوجینی بودند که تصمیم جدی برای طلاق داشتند و یکی از زوجین به دادگاه دادخواست طلاق داده بود. آنها ابتدا به دادگستری مراجعه نموده و سپس توسط مسئولین اداره‌ی دادگستری به گروه مشاوره مستقر در خود دادگستری معرفی می‌شوند و در مرحله آخر به «مرکز مداخله در خانواده به منظور کاهش طلاق» بهزیستی استان ارجاع داده می‌شوند. همراه این زوجین باید دو حکم که یکی از خانواده‌ی زن و دیگری از خانواده‌ی مرد است، در تمام جلسات داوری حضور داشته باشند و کسانی که داور و حکم نداشته باشند، از افراد مرکز مداخله در خانواده که مشاور هستند به عنوان داور انتخاب می‌شوند و زوجین باید هزینه‌ی آن را بپردازند و کسانی که هزینه‌ای برای انتخاب حکم ندارند، مرکز خود هزینه‌ی داوران انتخابی را می‌پردازد. کلیه مراجعین جهت مشاوره در این پژوهش کسانی بودند که به صورت خود معرف جهت حل و کاهش تعارضات زناشویی خود به این مرکز مراجعه می‌کردند و تصمیم به طلاق داشتند.

ابزار تحقیق: در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد. پرسش‌نامه‌ی تعارضات زناشویی (ثنایی و براتی، ۱۳۷۹) در این تحقیق از پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ساخته شده و هنجاریابی شده توسط براتی و ثنایی و نیز فرم مشخصات زوجین متقاضی طلاق استفاده شد. که یک ابزار ۴۲ سؤالی برای سنجیدن تعارضات زن و شوهر می‌باشد و هفت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند: از کاهش همکاری، کاهش رابطه‌ی جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند،

افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. این پرسش‌نامه روی گروه ۱۱ نفری متشکل از ۵۳ مرد و ۵۸ زن که برای رفع تعارضات زناشویی خود به مراجع قضایی و یا مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند و نیز یک گروه گواه ۱۰۸ نفری زوجهای عادی متشکل از ۵۳ مرد و ۵۵ زن اجرا گردیده است که هر دو گروه بصورت تصادفی انتخاب شده‌اند، مشخصات مشترک کلیه این زن و شوهرها عبارت است از داشتن لااقل دو سال زندگی مشترک، یک فرزند، حداقل ۲۵ سال سن و سواد خواندن و نوشتن است. کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۷۰ تا ۱۱۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۱۱۵ تا ۱۳۴ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T ۶۰ تا ۷۰) دارای تعارضات بیش از حد بهنجار و نمره خام ۲۳۵ و بالاتر (معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰) دارای تعارضات شدید و یا روابط شدیداً آسیب‌پذیر هستند. پاسخ سؤالات براساس طیف لیکرت بود که بصورت هیچ وقت، بندرت، گاهی اوقات، اکثر اوقات، همیشه بود که بصورت ۱ تا ۵ نمره‌گذاری گردید و در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنای رابطه‌ی بهتر بود و آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه بر روی گروه ۳۲ نفری (اولین پژوهش) برابر با ۰/۵۳ بود که طی ارزیابی مجدد روی گروه ۶۰ نفری ۰/۹۲ بدست آمد. این پرسش‌نامه از روایی و اعتبار محتوایی^۱ خوبی برخوردار است. مقصود از روایی پرسش‌نامه این است که پرسش‌نامه همان متغیر یا صفتی را اندازه بگیرد که برای سنجش آن ساخته شده بود.

^۱.Content validity



همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۳). برای اعتبار محتوا نیازی نیست که همه محتوا را در آزمون گنجانند، بلکه پوشش یک نمونه معرف از حوزه محتوایی در آزمون برای اعتبار محتوا کافی است (نصر و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲۳) در این پرسش‌نامه در مرحله‌ی تحلیل مواد آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه‌ی هبستگی هر سؤال با کل پرسش‌نامه و مقیاسهای آن، ۱۳ سؤال از ۵۵ سؤال اولیه حذف شده است.

روایی محتوا یکی از انواع روایی مفهومی می‌باشد که در آن ارزیابی تک تک سؤالات و محاسبه "شاخص روایی محتوا" (نسبت سؤالات یا گویه‌های مورد توافق به کل) انجام می‌شود. برای تعیین روایی محتوا باید از متخصصان موضوع و متخصصان سنجش کمک گرفت؛ گروه اول برای ارزیابی مقیاس از جهت مناسب بودن آن برای صفتی که قرار است بسنجد و گروه دوم برای شناسایی ساختارهای مشکل آفرین در سؤالاتها (رفیعی و

توزیع سؤال‌های پرسش‌نامه تعارضات زناشویی (ثنایی و براتی) برحسب ابعاد آن

شماره سؤال	تعداد سؤالات	ابعاد تعارضات زناشویی
۳-۹-۱۹-۲۱-۲۷	۵	کاهش همکاری
۴-۱۰-۱۵-۲۸-۳۳	۵	کاهش رابطه‌ی جنسی
۵-۱۱-۱۶-۲۲-۲۹-۳۴-۳۹-۴۱	۸	افزایش واکنش‌های هیجانی
۷-۱۸-۲۴-۳۱-۳۶	۵	افزایش جلب حمایت فرزند
۶-۱۲-۱۷-۲۳-۳۰-۳۵	۶	افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود
۱-۱۹-۲۵-۳۷-۴۰-۴۲	۶	کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان
۲-۸-۱۳-۲۰-۲۶-۳۲-۳۸	۷	جداکردن امور مالی از یکدیگر

سؤالاها ۵ گزینه‌ی همیشه، اکثر اوقات، گاهی، بندرت و هرگز دارد. به هر گزینه ۱ تا ۵ نمره تعلق می‌گیرد. نمره بالا نشانه تعارض بالا و نمره پایین نشان دهنده‌ی روابط زناشویی بهنجار است، حداقل نمره ۵۴ و حداکثر آن ۲۷۰ است. محاسبه‌ی پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ عدد ۰/۹۵ بدست آمده است.

جهت غنی‌تر شدن کار پژوهش و سنجش سایر ابعاد تعارض زناشویی، از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته‌ی تعارضات زناشویی (قلیلی و فاتحی زاده ۱۳۸۴) که ابزاری ۵۴ سؤالی برای سنجش موضوع و ابعاد تعارض زناشویی می‌باشد، نیز استفاده شد. این پرسش‌نامه پنج بُعد از تعارضات زن و شوهر را می‌سنجد که عبارتند: از تفاوت در ادراک، قدرت و کنترل، تعاملات، عواطف و نیازها و عوامل محیطی.

توزیع سؤالات پرسش‌نامه تعارضات زناشویی (قلیلی و فاتحی زاده) بر حسب ابعاد آن

شماره سؤال	تعداد سؤالات	ابعاد تعارضات زناشویی
۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲	۱۲	تفاوت در ادراک
۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴	۱۲	قدرت و کنترل
۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵	۱۱	تعاملات
۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴	۹	عواطف و نیازها
۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴	۱۰	عوامل محیطی

مشاوره‌ی زوجین بود، دوباره این آزمون به عنوان پس‌آزمون اجرا شد.

روش تجزیه و تحلیل آماری: در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد. روش آماری مورد استفاده در این تحقیق، آمار توصیفی شامل جداول میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی شامل روش تحلیل رگرسیون و آزمون T بوده است.

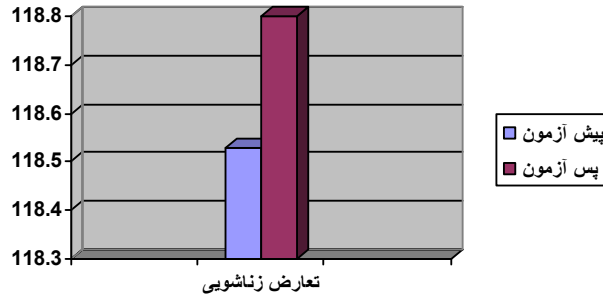
تحلیل داده‌ها

فرضیه‌ی اول: بین داوری و کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

شیوه‌ی اجرا و مراحل انجام پژوهش: پس از انتخاب نمونه که بصورت نمونه‌گیری در دسترس صورت گرفت، در دو گروه داوری و مشاوره که به مرکز مراجعه کرده بودند، آزمون‌های تعارضات زناشویی (هر دو پرسش‌نامه‌ی تعارض) اجرا شد. این آزمون‌ها با حضور هر دو زوج در طی دو جلسه که معمولاً با فاصله‌ی زمانی ۱۵ روز بود، انجام گرفت. جلسه‌ی اول، پرسش‌نامه‌های تعارضات زناشویی به عنوان پیش‌آزمون قبل از انجام مشاوره‌ی زوجین و قبل از داوری زوجین در دو گروه اعمال شد. جلسه‌ی دوم که جلسه‌ی آخر داوری و

پس آزمون میانگین ۱۱۸/۸۰ و انحراف معیار ۳۴/۶۳ بدست آمد.

میانگین نمرات تعارضات زناشویی در مرحله‌ی پیش آزمون ۱۱۸/۵۳ و انحراف معیار ۳۵/۴۲ و در مرحله‌ی



شکل (۱) میانگین نمرات تعارضات زناشویی زوجین در پیش آزمون و پس آزمون داوری

جدول (۱) نتایج آزمون T نمرات تعارضات زناشویی در مرحله داوری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معناداری
تعارضات زناشویی	-۰/۲۶	۹/۴۴	-۰/۱۵	۲۹	۰/۸۷

دارد. میانگین نمرات تعارضات زناشویی مردان در مرحله‌ی پیش آزمون ۲۹۵/۰۶ و پس آزمون ۲۹۵/۲۴ و انحراف معیار در پیش آزمون ۷۲/۳۱ و در پس آزمون ۷۱/۲۲ و میانگین زنان در مرحله‌ی پیش آزمون ۳۱۲ و پس آزمون ۳۱۲/۱۱ و انحراف معیار ۶۳/۹۴ و ۶۲/۱۵ بدست آمد. برای بررسی تفاوت میانگین مردان و زنان و اینکه آیا این تفاوت معنادار است از آزمون T مستقل استفاده شد.

همانطور که مشاهده می‌شود T بدست آمده در سطح $(p < ۰/۰۵)$ معنادار نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که فرآیند داوری بر میزان تعارضات زوجین مؤثر نبوده است، در نتیجه فرضیه‌ی اول مبنی بر وجود رابطه بین داوری و کاهش تعارضات زناشویی رد می‌شود.

فرضیه‌ی دوم: بین جنس و تأثیر داوری بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود

جدول (۲) نتایج آزمون T نمرات تعارضات زناشویی در مرحله داوری بر حسب جنسیت

متغیر	T	درجه آزادی	تفاوت میانگین	سطح معناداری
تعارضات زناشویی	-۰/۶۷	۲۸	-۱۶/۹۳	۰/۶۷

نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین تعارضات زناشویی مردان و زنان تفاوت معناداری از نظر آماری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه‌ی دوم مبنی بر تأثیر متفاوت داوری بر تعارضات زناشویی بر حسب جنس رد می‌شود.

فرضیه‌ی سوم: بین داوری و کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

جدول (۳): میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل پیش و پس از داوری

پس آزمون		پیش آزمون		ابعاد تعارض
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۶/۹	۱۶/۱۳	۶/۴۹	۱۴/۸۳	بعد اول (کاهش همکاری)
۷/۱۱	۱۵/۱۶	۶/۳۶	۱۴/۵۳	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۸/۹	۲۲/۲۶	۷/۵۲	۲۸/۸۳	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۷/۳۶	۱۳/۱۳	۷/۵۳	۱۳/۰۰	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۶/۸۹	۱۷/۳۶	۶/۳۲	۱۷/۵	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۶/۰۶	۱۷/۸۶	۵/۸۱	۱۸/۵	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۶/۱۱	۱۵/۵	۶/۵۴	۱۵/۳۳	بعد هفتم (جدا کردن امور مالی از یکدیگر)
۱۲/۹۳	۴۱/۸۰	۱۲/۱۹	۴۲/۴۶	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۱۳/۱۰	۴۱/۳۰	۱۲/۹۲	۴۲/۱۳	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۹/۹۵	۳۲/۹	۸/۸۷	۳۳/۶۳	بعد سوم (تعاملات)
۱۰/۳۷	۳۲/۱۶	۹/۸۷	۳۲/۰۶	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۱۳/۰۷	۳۴/۵۶	۱۱/۷۲	۳۴/۲	بعد پنجم (عوامل محیطی)

برای بررسی میزان تفاوت در ابعاد تعارضات زناشویی زوجین در مراحل قبل و بعد از داوری از آزمون T زوجی استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون T نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در مرحله‌ی داوری

ابعاد تعارض	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
بعد اول (کاهش همکاری)	-۱/۳	۳/۵۱	۲/۰۲	۲۹	۰/۰۵۲
بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)	-۰/۶۳	۲/۸۸	-۱/۲	۲۹	۰/۲۳
بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)	۲/۵۶	۳/۳۹	۱/۶۷	۲۹	۰/۱۰
بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)	-۱/۳	۳/۱۴	-۰/۲۳	۲۹	۰/۸۱
بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)	۰/۱۳	۲/۵۹	۱/۲۸	۲۹	۰/۷۸
بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)	۰/۶۳	۱/۸۶	۱/۵۸	۲۹	۰/۰۷
بعد هفتم (جدا کردن امور مالی از یکدیگر)	-۰/۱۶	۱/۳۶	۰/۶۶	۲۹	۰/۵
بعد اول (تفاوت در ادراک)	۰/۶۶	۶/۳۸	۰/۵۷	۲۹	۰/۵۷
بعد دوم (قدرت و کنترل)	۰/۸۳	۶/۶۶	۰/۶۸	۲۹	۰/۴۹
بعد سوم (تعاملات)	۰/۷۳	۵/۳۸	۰/۷۴	۲۹	۰/۴۶
بعد چهارم (عواطف و نیازها)	-۰/۱	۳/۶۱	-۰/۱۵	۲۹	۰/۸۸
بعد پنجم (عوامل محیطی)	-۰/۳۶	۴/۱۹	-۰/۴۷	۲۹	۰/۶۳

فرضیه‌ی چهارم: بین جنس و تأثیر داوری بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

همانطور که مشاهده می‌شود T بدست آمده در هیچ‌یک از ابعاد در سطح (۰/۰۵ < p) معنادار نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که فرآیند داوری بر ابعاد تعارضات زناشویی زوجین مؤثر نبوده است، در نتیجه فرضیه‌ی سوم مبنی بر وجود رابطه بین داوری و کاهش ابعاد تعارضات زناشویی رد می‌شود.

جدول (۵): میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد تعارض زناشویی در مراحل پیش و پس از داوری بر حسب جنس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنس	ابعاد تعارض
۷/۹۹	۱۶/۱۳	۱۵	مرد	بعد اول (کاهش همکاری)
۵/۸۹	۱۶/۱۳	۱۵	زن	
۸/۲۹	۱۶/۸	۱۵	مرد	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۵/۴۸	۱۳/۵۳	۱۵	زن	
۵/۷۳	۱۹/۸	۱۵	مرد	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۸/۸۳	۲۴/۷۳	۱۵	زن	
۷/۵۸	۱۳/۴۶	۱۵	مرد	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۷/۳۷	۱۲/۸	۱۵	زن	
۷/۹۴	۱۶/۷۳	۱۵	مرد	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۵/۸۷	۱۸	۱۵	زن	
۶/۶۳	۱۷/۵۳	۱۵	مرد	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۶/۶۵	۱۸/۲	۱۵	زن	
۶/۲۴	۱۵/۱۳	۱۵	مرد	بعد هفتم (جداکردن امور مالی از یکدیگر)
۶/۱۸	۱۵/۸۶	۱۵	زن	
۱۲/۵۸	۳۹/۷۳	۱۵	مرد	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۱۳/۳۸	۴۳/۸۶	۱۵	زن	
۱۳/۴۷	۳۷/۴۶	۱۵	مرد	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۱۱/۹۴	۴۵/۱۳	۱۵	زن	
۹/۵۱	۳۲/۲	۱۵	مرد	بعد سوم (تعاملات)
۱۰/۹۸	۳۳/۶	۱۵	زن	
۹/۴۲	۳۰/۹۳	۱۵	مرد	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۱۱/۴۳	۳۳/۴	۱۵	زن	
۱۴/۸۵	۳۴/۵۳	۱۵	مرد	بعد پنجم (عوامل محیطی)
۱۱/۵۴	۳۴/۶	۱۵	زن	

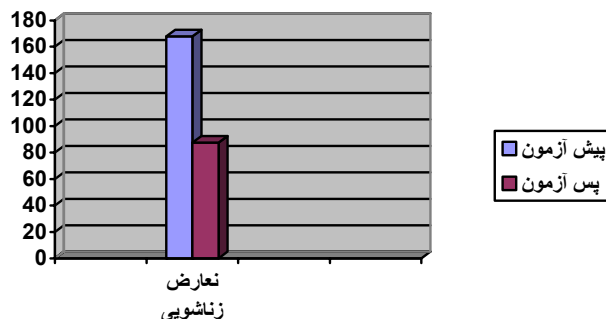
جدول (۶) نتایج آزمون T نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در مرحله داوری بر حسب جنس

ابعاد تعارض	T	درجه آزادی	تفاوت میانگین	سطح معناداری
بعد اول (کاهش همکاری)	۰/۰۰۰	۲۸	۰/۰۰۰	۱/۰۰
بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)	۱/۲۷	۲۸	۳/۲۶	۰/۲۱
بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)	-۱/۵۳	۲۸	-۴/۹۳	۰/۱۳
بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)	۰/۲۴	۲۸	۰/۶۶	۰/۸۰
بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)	۰-/۴۹	۲۸	-۱/۲۶	۰/۶۲
بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)	-۰/۲۹	۲۸	-۰/۶۶	۰/۶۹
بعد هفتم (جداکردن امور مالی از یکدیگر)	-۰/۳۲	۲۸	۰/۷۳	۰/۷۴
بعد اول (تفاوت در ادراک)	-۰/۸۷	۲۸	-۴/۱۳	۰/۳۹
بعد دوم (قدرت و کنترل)	-۱/۶۴	۲۸	-۷/۶۶	۰/۱۱
بعد سوم (تعاملات)	۰/۳۷	۲۸	-۱/۴	۰/۷۰
بعد چهارم (عواطف و نیازها)	-۰/۶۴	۲۸	-۲/۴۶	۰/۵۲
بعد پنجم (عوامل محیطی)	-۰/۰۱۴	۲۸	-۰/۰۶۶	۰/۹۸

طبق نتایج بدست آمده، تأثیر داوری بر کاهش تعارضات زناشویی در هیچ یک از ابعاد در زنان و مردان تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد، در نتیجه فرضیه‌ی چهارم مبنی بر تأثیر متفاوت داوری بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی بر حسب جنس رد می‌شود.

فرضیه‌ی پنجم: بین مشاوره و کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. میانگین نمرات تعارضات زناشویی در مرحله‌ی

پیش آزمون ۱۶۷/۷۳ و انحراف معیار ۳۵/۳۸ و در مرحله‌ی پس آزمون میانگین ۸۷/۵ و انحراف معیار ۲۲/۳۸ بدست آمد.



شکل (۲) میانگین نمرات تعارضات زنشویی زوجین در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

برای بررسی میزان تفاوت تعارضات زنشویی زوجین در مراحل پیش و پس از مشاوره از آزمون T زوجی استفاده شد.

جدول (۷) نتایج آزمون T نمرات تعارض زنشویی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معناداری
تعارضات زنشویی	۸۰/۲۳	۲۹/۴۴	۱۴/۹۲	۲۹	۰/۰۰۱

دارد. میانگین نمرات تعارضات زنشویی مردان در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب ۱۵۲/۷۳ و ۸۶/۰۵ و انحراف معیار به ترتیب ۴۶/۲۳ و ۳۳/۳ و میانگین زنان در مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون به ترتیب ۱۴۸/۹۳ و ۴۶/۰۵ و انحراف معیار به ترتیب ۳۵/۶۴ و ۳۵/۲۸ بدست آمد. برای بررسی تفاوت میانگین مردان و زنان و اینکه آیا این تفاوت معنادار است از آزمون T مستقل استفاده شد.

همانطور که مشاهده می‌شود T بدست آمده در سطح ($p < 0/05$) معنادار می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت فرآیند مشاوره بر میزان تعارضات زنشویی زوجین مؤثر بوده و آن را کاهش داده است. در نتیجه فرضیه‌ی پنجم مبنی بر وجود رابطه بین مشاوره و کاهش تعارضات زنشویی تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی ششم: بین جنس و تأثیر مشاوره بر کاهش تعارضات زنشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود

جدول (۸): نتایج آزمون T نمرات تعارضات زنشویی به تفکیک جنس

متغیر	T	درجه آزادی	تفاوت میانگین	سطح معناداری
تعارضات زنشویی	۰/۲۵	۲۸	۳/۸	۰/۸۰

فرضیه‌ی هفتم: بین مشاوره و کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین تعارضات زناشویی مردان و زنان تفاوت معناداری از نظر آماری وجود ندارد. در نتیجه فرضیه‌ی ششم مبنی بر تأثیر متفاوت مشاوره بر کاهش تعارضات برحسب جنس رد می‌شود.

جدول (۹): میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		ابعاد تعارض
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۴/۵۶	۹/۶	۷/۱۵	۱۴/۹۳	بعد اول (کاهش همکاری)
۴/۳۴	۹/۳۶	۵/۸۸	۱۵/۶۳	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۶/۴۱	۱۰/۹	۵/۶	۲۵/۴۶	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۵/۱۳	۸/۱۶	۷	۱۳/۱۶	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۵/۶۳	۹/۶۳	۵/۵	۱۶/۷	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۴/۴۸	۸/۲۳	۴/۳۳	۱۵/۷۳	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۳/۹	۷/۹۶	۵/۰۷	۱۴/۳	بعد هفتم (جداکردن امور مالی از یکدیگر)
۸/۴۴	۲۱/۳۰	۱۰/۳۷	۴۱/۴۳	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۶/۹۷	۱۸/۶۳	۱۱/۸۸	۳۶/۳۶	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۷/۱۷	۱۸/۲۶	۶/۵۶	۳۱/۶۰	بعد سوم (تعاملات)
۵/۶۱	۱۶/۹	۹/۷۶	۲۸/۳۶	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۶/۸۱	۱۲/۶۶	۸/۹۰	۲۹/۹۶	بعد پنجم (عوامل محیطی)

برای بررسی میزان تفاوت در ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل قبل و بعد از مشاوره از آزمون T زوجی استفاده شد.

جدول (۱۰): نتایج تحلیل آزمون T نمرات ابعاد تعارضات زناشویی

انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	انحراف استاندارد	میانگین	ابعاد تعارض
۰/۰۰۱	۲۹	۴/۵۴	۷/۰۶	۵/۸۶	بعد اول (کاهش همکاری)
۰/۰۰۱	۲۹	۴/۹۸	۶/۸۸	۶/۲۶	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۰/۰۰۱	۲۹	۱۱/۲۷	۷/۰۷	۱۴/۵۶	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۰/۰۰۱	۲۹	۴/۲۷	۶/۴	۵	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۰/۰۰۱	۲۹	۵/۱۷	۷/۴۸	۷/۰۶	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۰/۰۰۱	۲۹	۸/۱۶	۵/۰۲	۷/۵	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۰/۰۰۱	۲۹	۶/۲۶	۵/۵۳	۶/۳۳	بعد هفتم (جدا کردن امور مالی از یکدیگر)
۰/۰۰۱	۲۹	۸/۲۲	۱۳/۴۰	۲۰/۱۳	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۰/۰۰۱	۲۹	۷/۹۲	۱۲/۲۵	۱۷/۷۳	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۰/۰۰۱	۲۹	۹/۰۳	۸/۰۸	۱۳/۳۳	بعد سوم (تعاملات)
۰/۰۰۱	۲۹	۶/۴۷	۹/۷	۱۱/۴۶	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۰/۰۰۱	۲۹	۹/۱۷	۱۰/۳۲	۱۷/۳۰	بعد پنجم (عوامل محیطی)

فرضیه‌ی هشتم: بین جنس و تأثیر مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

همانطور که مشاهده می‌شود T بدست آمده در تمامی ابعاد در سطح ($p < 0/05$) معنادار می‌باشد. می‌توان گفت که فرآیند مشاوره بر تمامی ابعاد تعارضات زوجین مؤثر بوده و آن‌ها را کاهش داده است. در نتیجه فرضیه هفتم تأیید می‌شود.

جدول (۱۱): میانگین و انحراف استاندارد نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک جنس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنس	ابعاد تعارض
۵	۹/۲۶	۱۵	مرد	بعد اول (کاهش همکاری)
۴/۲۴	۸/۸۶	۱۵	زن	
۴/۷۶	۱۰/۱۳	۱۵	مرد	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۳/۸۸	۸/۶	۱۵	زن	
۷/۳۵	۱۱/۰۶	۱۵	مرد	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۵/۵۷	۱۰/۷۳	۱۵	زن	
۶/۰۷	۹	۱۵	مرد	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۴/۰۴	۷/۳۳	۱۵	زن	
۵/۹۹	۱۰/۴۶	۱۵	مرد	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۵/۳۲	۸/۸۰	۱۵	زن	
۵/۲	۹/۰۶	۱۵	مرد	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۳/۶۲	۷/۴	۱۵	زن	
۳/۱۷	۸/۳۳	۱۵	مرد	بعد هفتم (جدا کردن امور مالی از یکدیگر)
۴/۶۱	۷/۶	۱۵	زن	
۸/۹۴	۲۰/۴	۱۵	مرد	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۸/۱۱	۲۲/۲	۱۵	زن	
۵/۳۴	۱۸/۶۶	۱۵	مرد	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۶/۷۳	۱۸/۶	۱۵	زن	
۶/۷۳	۱۹/۱۳	۱۵	مرد	بعد سوم (تعاملات)
۷/۷۲	۱۷/۴	۱۵	زن	
۵/۴۶	۱۵/۸۶	۱۵	مرد	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۵/۷۶	۱۷/۹۳	۱۵	زن	
۶/۸۳	۱۲	۱۵	مرد	بعد پنجم (عوامل محیطی)
۶/۹۶	۱۳/۳۳	۱۵	زن	

جدول (۱۲): نتایج تحلیل آزمون T نمرات ابعاد تعارضات زناشویی بر حسب جنس

سطح معناداری	تفاوت میانگین	درجه آزادی	T	ابعاد تعارض
۰/۸۱	۰/۴۰	۲۸	۰/۲۳	بعد اول (کاهش همکاری)
۰/۳۴	۱/۵۳	۲۸	۰/۹۶	بعد دوم (کاهش رابطه‌ی جنسی)
۰/۸۹	۰/۳۳	۲۸	۰/۱۴	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۰/۳۸	۱/۶۶	۲۸	۰/۸۸	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۰/۴۲	۱/۶۶	۲۸	۰/۸	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۰/۳۱	۱/۶۶	۲۸	۱/۰۱	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۰/۶۱	۰/۷۳	۲۸	۰/۵۰	بعد هفتم (جداکردن امور مالی از یکدیگر)
۰/۵۶	۱/۸۰	۲۸	۰/۵۷	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۰/۹۸	۰/۰۶	۲۸	۰/۰۲	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۰/۵۱	۱/۷۳	۲۸	۰/۶۵	بعد سوم (تعاملات)
۰/۳۲	-۲/۰۶	۲۸	۱/۰۸	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۰/۶۰	-۱/۳۳	۲۸	۰/۵۲	بعد پنجم (عوامل محیطی)

فرضیه‌ی نهم: بین تأثیر داوری و مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق تفاوت وجود دارد. میانگین نمرات تعارضات زناشویی گروه داوری ۳۰۳/۵۳ و انحراف استاندارد آن ۶۷/۶۱ و میانگین گروه مشاوره ۱۵۰/۸۳ و انحراف استاندارد آن ۴۰/۶۱ بدست آمد.

طبق نتایج بدست آمده تأثیر مشاوره بر تعارضات زناشویی در هیچ یک از ابعاد در زنان و مردان تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد، در نتیجه فرضیه هشتم مبنی بر تأثیر متفاوت مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات بر حسب جنس رد می‌شود.

جدول (۱۳): نتایج آزمون T نمرات تعارضات زناشویی در مراحل داوری و مشاوره به تفکیک جنسیت

سطح معناداری	تفاوت میانگین	درجه آزادی	T	متغیر
۰/۰۰۱	۱۵۲/۷	۵۸	۱۰/۶	تعارضات زناشویی

نتایج تحلیل نشان می‌دهد که بین میانگین تعارضات زناشویی زوجین در مراحل بعد از مشاوره و داوری تفاوت

معناداری وجود دارد. در نتیجه فرضیه‌ی نهم مبنی بر تأثیر متفاوت مشاوره و داوری بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی دهم: بین تأثیر داوری و مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

جدول (۱۴): میانگین و انحراف معیار نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در گروه‌های داوری و مشاوره

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه	ابعاد تعارض
۶/۹	۱۶/۱۳	۳۰	داوری	بعد اول (کاهش همکاری)
۴/۵۶	۹/۰۶	۳۰	مشاوره	
۷/۱۱	۱۵/۱۶	۳۰	داوری	بعد دوم (کاهش رابطه جنسی)
۴/۳۴	۹/۳۶	۳۰	مشاوره	
۸/۹	۲۲/۲۶	۳۰	داوری	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۶/۴۱	۱۰/۹	۳۰	مشاوره	
۷/۳۶	۱۳/۱۳	۳۰	داوری	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۵/۱۳	۸/۱۶	۳۰	مشاوره	
۶/۸۹	۱۷/۳۶	۳۰	داوری	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۵/۶۳	۹/۶۳	۳۰	مشاوره	
۶/۰۵	۱۷/۸۶	۳۰	داوری	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۴/۴۸	۸/۲۳	۳۰	مشاوره	
۶/۱۱	۱۵/۵	۳۰	داوری	بعد هفتم (جداکردن امور مالی از یکدیگر)
۳/۹	۷/۹۶	۳۰	مشاوره	
۱۲/۹۳	۴۱/۸	۳۰	داوری	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۸/۴۴	۲۱/۳	۳۰	مشاوره	
۱۳/۱	۴۱/۳	۳۰	داوری	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۶/۹۷	۱۸/۶۳	۳۰	مشاوره	
۹/۹۵	۳۲/۹	۳۰	داوری	بعد سوم (تعاملات)
۷/۱۷	۱۸/۲۶	۳۰	مشاوره	
۱۰/۳۷	۳۲/۱۶	۳۰	داوری	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۵/۶۱	۱۶/۹	۳۰	مشاوره	
۱۳/۰۷	۳۴/۵۶	۳۰	داوری	بعد پنجم (عوامل محیطی)
۶/۸۱	۱۲/۶۶	۳۰	مشاوره	

جدول (۱۵): نتایج آزمون T نمرات ابعاد تعارضات زناشویی در گروه‌های داوری و مشاوره

سطح معناداری	تفاوت میانگین	درجه آزادی	T	ابعاد تعارض
۰/۰۰۱	۶/۷	۵۸	۴/۶۷	بعد اول (کاهش همکاری)
۰/۰۰۱	۵/۸	۵۸	۱/۲۷	بعد دوم (کاهش رابطه جنسی)
۰/۰۰۱	۱۱/۳۶	۵۸	-۱/۵۳	بعد سوم (افزایش واکنش‌های هیجانی)
۰/۰۰۴	۴/۹۶	۵۸	۰/۲۴	بعد چهارم (افزایش جلب حمایت فرزند)
۰/۰۰۱	۷/۷۳	۵۸	۰-/۴۹	بعد پنجم (افزایش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان خود)
۰/۰۰۱	۹/۶۳	۵۸	-۰/۲۹	بعد ششم (کاهش رابطه‌ی خانوادگی با خویشاوندان همسر)
۰/۰۰۱	۷/۵۳	۵۸	-۰/۳۲	بعد هفتم (جدا کردن امور مالی از یکدیگر)
۰/۰۰۱	۲۰/۵	۵۸	-۰/۸۷	بعد اول (تفاوت در ادراک)
۰/۰۰۱	۲۲/۶۶	۵۸	-۱/۶۴	بعد دوم (قدرت و کنترل)
۰/۰۰۱	۱۴/۶۳	۵۸	۰/۳۷	بعد سوم (تعاملات)
۰/۰۰۱	۱۵/۲۶	۵۸	-۰/۶۴	بعد چهارم (عواطف و نیازها)
۰/۰۰۱	۲۱/۹	۵۸	۰	بعد پنجم (عوامل محیطی)

فرضیه‌ی یازدهم: بین ویژگی‌های دموگرافیک و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد. برای مشخص کردن عوامل مؤثر بر تعارضات زناشویی از تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۱۶) مشاهده می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که فرآیند مشاوره نسبت به داوری تأثیر بیشتری بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی دارد، در نتیجه فرضیه‌ی دهم مبنی بر تأثیر متفاوت داوری و مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی تأیید می‌شود.

جدول (۱۶) نتایج تحلیل رگرسیون نمرات تعارضات زناشویی

متغیر	BETA	خطای استاندارد	T	R2	F	سطح معناداری
جنس	۰/۱۰	۲۷/۷۸	۰/۴۲	۰/۷۰	۸/۸	۰/۶۷
سن	۰/۲۲	۱۴/۳۱	۰/۵۹	۰/۲۰	۳/۲	۰/۵۵
تحصیلات	۰/۱۲	۷/۲۹	۰/۶۱	۰/۰۹	۱/۰۸	۰/۵۴
شغل	-۰/۰۷	-۰/۳۸	۱۱/۷۶	۰/۶۲	۸/۷	۰/۷۰
درآمد	-۰/۲۵	۷/۸۶	-۱/۰۶	۰/۳۳	۴/۰۱	۰/۲۹
سن ازدواج	۰/۳۵	۱۳/۴۶	-۱/۶۱	۰/۱۰	۱/۱۱	۰/۱۱
طول ازدواج	-۰/۴۱	۱۱/۹۶	-۰/۹۹	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۳۲
ازدواج چندم	۰/۱۱	۳۲/۸۵	۰/۴۰	۰/۰۴	۰/۴۲	۰/۶۸
علت ازدواج مجدد	-۰/۱۴	۵۳/۵۶	-۰/۴۵	۰/۳۹	۲/۶۲	۰/۶۵
علت طلاق	۰/۱۴	۱/۹۱	۰/۹۱	۰	۰/۱۱	۰/۳۶
تعداد فرزند	۰/۳۳	۲۱/۴۷	۱/۵۲	۰/۱۰	۲/۸۱	۰/۱۳
پسر مجرد	-۰/۰۵	۶/۶۹	-۰/۲۸	۰/۱۲	۱/۹۳	۰/۷۷
دختر مجرد	-۰/۲۲	۳۷/۰	-۰/۷۱	۰/۳۱	۲/۱	۰/۴۸
پسر متأهل	۰/۰۳	۱۰۶/۶۱	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۲۴	۰/۹۱
سن پسر	۰/۱۸	۹/۵۱	۰/۷۱	۰/۷۸	۱/۳۴	۰/۴۷
سن دختر	۰/۱۰	۱۶/۳۲	۰/۲۲	۰/۱۲	۱/۰۱	۰/۸۲
نحوه‌ی سکونت	۰/۰۲	۹/۳۶	-۰/۱۵	۰/۱۱	۱۵/۴	۰/۸۷
نحوه‌ی زندگی	۰/۰۱	۷/۱۷	-۰/۰۶	۰/۱۰	۱۳/۳	۰/۹۵
همسر چندم	۰/۱۹	۳۱/۸۸	۰/۹۳	۰/۵۷	۴/۰۹	۰/۳۵

تشریفاتی و صوری در آمده و نتایج قابل قبولی نداشته و کمتر مشاهده می‌شود که داوران در جهت سازش توفیق داشته باشند و اگر هم مواردی در جهت سازش اقدام نموده‌اند، بسیار نادر است.

به دلیل نبود پژوهش‌های انجام شده در زمینه تأثیر داوری بر تعارضات زناشویی از لحاظ روش‌شناختی مقایسه و تطبیق در این مورد امکان پذیر نمی‌باشد. شاید بتوان گفت نتایج این تحقیق با گفته‌های نوریان (۱۳۸۶) و هدایت‌نیا (۱۳۸۴) همخوانی دارد. هدایت‌نیا (۱۳۸۴) معتقد است که با توجه به آمارها معلوم می‌شود، نه تنها داوری در محاکم خانواده فاقد کارآمدی لازم می‌باشد، بلکه در کاهش آمار طلاق نیز موثر نبوده است. به نظر می‌رسد علت اصلی ناکارآمدی نهاد داوری در محاکم خانواده موارد ذیل باشند: ۱) مقررات مربوط به داوری در بخش نحوه‌ی انتخاب از حکمین مناسب تنظیم نشده است. ۲) داوران غالباً با زوجین رابطه‌ی فAMILI و خویشاوندی ندارند و شرط اهل بودن که در قرآن آمده است (فابعثوا حکماً من اهله ...) در انتخاب داوران رعایت نمی‌شود. همین امر موجب می‌شود که داوران به حفظ رابطه زوجیت و نیز سرنوشت فرزندان اهمیت لازم را ندهند. ۳) به دلیل حجم زیاد پرونده‌های در گردش از یکسو و توجه بیش از حد مدیران دستگاه قضایی به رشد کمی عملکرد محاکم از سوی دیگر موجب شده که دادگاه‌ها نتوانند در انتخاب داور تحقیق لازم را انجام دهند تا داوران شایسته و واجد شرایط را برگزینند و داوران انتخابی در بیشتر موارد افراد

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود هیچ‌کدام از عوامل دموگرافیک نقش تعیین‌کننده‌ی معناداری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی نداشتند، در نتیجه فرضیه‌ی یازدهم مبنی بر تعیین رابطه بین ویژگی‌های دموگرافیک و تعارضات زناشویی رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج بدست آمده از تحقیق و همانگونه که در جدول (۱) آمده است، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات تعارضات زناشویی در مراحل پیش و پس از داوری وجود نداشته است که این نشان دهنده‌ی موثر نبودن فرآیند داوری بر کاهش تعارضات زناشویی می‌باشد، همچنین طبق نتایج بدست آمده تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان و مردان از نظر کاهش تعارضات زناشویی وجود نداشته است. نتایج جدول‌های (۲، ۳، ۴، ۵، ۶) حاکی از معنادار نبودن تأثیر داوری بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی می‌باشد که این عدم تأثیر در مردان و زنان تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین فرضیه‌های اول، دوم، سوم و چهارم تأیید نمی‌شوند. در مورد دلایل احتمالی عدم تأثیر فرآیند داوری بر کاهش تعارضات زناشویی و ابعاد آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. آنچه که امروزه در محاکم خانواده به وضوح مشاهده می‌شود و قضات محاکم خانواده به آن اذعان دارند، این است که نهاد داوری به نحوی که در ماده واحده و آیین‌نامه ذکر گردیده است، به صورت امری

خاصی هستند که انگیزه مالی دارند و اصلاح میان زوجین برای آنان اهمیت کمتری دارد.

طبق نتایج حاصل از تحقیق (جدول ۷) تفاوت معناداری بین میانگین نمرات تعارض زناشویی در مراحل پیش و پس از مشاوره وجود داشته است که این حاکی از تأثیر فرآیند مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی می‌باشد. همچنین طبق نتایج بدست آمده (جدول ۸) تفاوت معناداری بین میانگین نمرات زنان و مردان از نظر کاهش تعارضات زناشویی وجود نداشته است و این نشان می‌دهد که فرآیند مشاوره تأثیر یکسانی بر کاهش تعارضات زناشویی مردان و زنان داشته است. نتایج جدول‌های (۹ و ۱۰) حاکی از تأثیر فرآیند مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی است. به طور خلاصه مداخله‌های مشاوره‌ای که می‌تواند به زوجین متقاضی طلاق کمک کند، شامل سه مداخله‌ی اصلی است: (۱) کمک به تصمیم‌گیری صحیح قبل از طلاق (۲) جلوگیری از وقوع طلاق (۳) سازگاری پس از طلاق (سالتر^۱، ۱۹۸۲: ۳۷) در مداخله‌ی اول مشاور بر مشکلات ارتباطی زوجین متمرکز می‌شود و به مراجعان کمک می‌کند که تبعات تصمیم به طلاق را در نظر بگیرند و انتخاب آگاهانه‌ای انجام دهند. در مداخله‌ی دوم با استفاده از تکنیک‌های زوج‌درمانی به کاهش تعارض و کاهش احتمال طلاق می‌پردازد و نهایتاً در مداخله سوم که پس از وقوع طلاق انجام می‌گیرد، به مراجع کمک می‌کند که فردی خودمختار و دارای سبک زندگی پایدار و مستقل شده، دچار گوشه‌گیری و انزوای اجتماعی نشود و

ارتباطات اجتماعی جدیدی را به وجود آورد، به علاوه مشکلات روابط والد - فرزندی را حل نموده و نهایتاً برای ازدواج مجدد آماده شود. از آنجا که طلاق دارای عوارض فردی، خانوادگی و اجتماعی منفی فراوان می‌باشد، لذا استفاده از رویکردهایی که بتواند قبل از جدی شدن پیشرفت تعارض زناشویی، تعارض را حل نماید، اهمیت اساسی می‌یابد. نتایج جدول‌های (۱۱ و ۱۲) حاکی از این است که این تأثیر در دو جنس مرد و زن تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. بنابراین فرضیه‌ی پنجم مبنی بر تأثیر فرآیند مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی تأیید می‌گردد، ولی فرضیه‌ی ششم مبنی بر تفاوت اثر این فرآیند در زنان و مردان تأیید نمی‌گردد. همچنین فرضیه‌ی هفتم مبنی بر تأثیر فرآیند مشاوره بر کاهش ابعاد تعارضات زناشویی تأیید می‌گردد، ولی فرضیه هشتم مبنی بر تفاوت اثر این فرآیند در ابعاد تعارض در زنان و مردان تأیید نمی‌گردد. نتایج این تحقیق با نتایج حاصل از تحقیق عامری، نوربالا، اژه‌ای و طباطبایی (۱۳۸۲) با عنوان تأثیر مداخلات خانواده‌درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی که نشان داد این مداخلات، علاوه بر اینکه منجر به افزایش رضایت زناشویی می‌شود تعارضات بین فردی را نیز کاهش می‌دهد و در زنان مؤثرتر بوده است، تطبیق دارد. همچنین در پژوهش قلبلی رنایی (۱۳۸۴) با عنوان تأثیر شیوه‌های گفتگوی مؤثر و حل تعارضات زناشویی زوجین نشان داد که این شیوه‌های گفتگو در کاهش تعارضات زناشویی مؤثر بوده است که این پژوهش نیز یافته‌های ما را تأیید نمود. نتایج بدست آمده، حاکی از تفاوت در میانگین نمرات زناشویی زوجینی که در جلسات مشاوره شرکت

¹.Salts

کردند و زوجینی که برای داوری ارجاع داده شده بودند، است و نشان دهنده‌ی تأثیر بیشتر فرآیند مشاوره بر کاهش تعارض زناشویی زوجین می‌باشد. بنابراین فرضیه‌ی نهم مبنی بر تفاوت تأثیر داوری و مشاوره بر کاهش تعارض زناشویی زوجین تأیید می‌شود، این تفاوت در ابعاد تعارض هم مشاهده می‌شود نتایج جدول‌های (۱۳، ۱۴ و ۱۵). یعنی فرآیند مشاوره نسبت به داوری تأثیر بیشتری بر کاهش ابعاد تعارض دارد، در نتیجه فرضیه‌ی دهم نیز تأیید می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون که در جدول (۱۶) آمده است، نشان می‌دهد که در این نمونه هیچ‌یک از ویژگی‌های دموگرافیک نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی تعارضات زناشویی نداشته‌اند. بنابراین فرضیه‌ی یازدهم مبنی بر وجود رابطه بین ویژگی‌های دموگرافیک و تعارض زناشویی تأیید نمی‌شود. شاید با افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های آتی بتوان همبستگی‌هایی را بین متغیرهای مذکور به دست آورد.

پیشنهادات

۱- همانطور که در نتایج مورد بحث ذکر شد فرآیند مشاوره بر کاهش تعارضات زناشویی مؤثر بوده است، پیشنهاد می‌شود با ارائه برنامه خاص در این زمینه از طریق رسانه‌های گروهی، رادیو و تلویزیون و اختصاص برنامه‌هایی با شکل جذاب و محتوایی آگاهی‌دهنده، خانواده‌های دارای اختلافات خانوادگی را قبل از اینکه اختلافاتشان به شدیدترین حالت برسد به مراکز مشاوره کشانده و نسبت به رفع اختلافات و تعارضات اقدامات جدی صورت گیرد.

۲- پیشنهاد می‌شود ارگان‌هایی که در زمینه خانواده بخصوص در زمینه طلاق سرمایه‌گذاری می‌کنند در خصوص ارائه برنامه‌های مشاوره قبل از ازدواج نیز سرمایه‌گذاری کنند و با ارائه تدابیری، خانواده‌هایی که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند آگاهی داده تا مشاوره‌های قبل از ازدواج را جدی بگیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود مشاورینی که در زمینه مشاوره قبل از ازدواج کار می‌کنند در برنامه‌های خود ارزیابی سلامت خانواده‌هایی را که فرزندان آنها قصد ازدواج دارند، در نظر گرفته و در صورت وجود هرگونه مشکل در خانواده‌ها، از قبیل وجود اختلافات زناشویی بین والدین، خانواده‌ها را در زمینه مشکل مربوطه و حل آن و نیز میزان تأثیر مشکلات مربوطه در صورت لاینحل ماندن، بر زندگی فرزندان آگاهی دهند. همچنین آگاهی‌هایی در زمینه تمایز یافتن زوجین از خانواده‌های اصلی خود به هر دو خانواده داده شود تا زوجین بتوانند با کسب استقلال نسبی در خانواده جدیدی که قصد تشکیل آن را دارند سرمایه‌گذاری کرده، از بروز و رشد تعارضات زناشویی در خانواده جلوگیری کنند.

پیشنهاداتی جهت بهبود روند داوری در دادگاه‌های خانواده

۱- انجام داوری و تلاش در جهت حل اختلاف، زمانی مفید است که زوجین به مراجع قضایی، شبه قضایی و مراجع انتظامی مراجعه نکرده‌اند. تا قبل از این مرحله سازش تا حد زیادی مقدور است لیکن پس از مراجعه زوجین به مراجع قضایی و انتظامی امر سازش غیرممکن و یا به ندرت انجام می‌گیرد. آنچه که امروزه در ماده واحده‌ی اصلاح مقررات

درآمد خود می‌دانند! ضرورت دارد محاکم از پذیرش این‌گونه افراد به عنوان داور خودداری نمایند و تنها افرادی که صلاحیت دارند، انتخاب شوند و حداقل جلساتی با حضور زوجین و داوران در دادگاه تشکیل گردد.

۴- در شرایط کنونی به دلیل امتناع زوجین از معرفی داور، دعوی به اشخاص معینی که از پیش در نهاد داوری حضور دارند و داوری را شغل خود قرار داده‌اند ارجاع می‌شود؛ این افراد غالباً انگیزه‌ای برای سازش ندارند. این رویه موجب شده که داوری، تأثیر محسوسی در کم نمودن آمار طلاق نداشته باشد. لذا پیشنهاد می‌شود، قضات محاکم خانواده ملزم شوند، از وضع خانواده‌های طرفین تحقیق نمایند و از میان ایشان اشخاص واجد شرایط را برای داوری انتخاب نمایند. بدین ترتیب، هم به داوری از نوع قرآنی عمل می‌شود و هم تأثیر محسوسی در کم شدن میزان طلاق، حاصل خواهد شد.

۵- تشکیل مجتمع‌های خانواده با ترکیبی از واحد حکمیت و داوری از کارشناسان و مشاوران بهزیستی و چند شعبه شورای حل اختلاف خانواده از افراد معتبر و خوشنام و مطلع تشکیل گردد و نیز شعب محاکم در محیطی خارج از نقاط شلوغ شهر و نیز در محیطی جدای از بقیه محاکم و دادسرا به علت دخالت افراد سودجو و بی‌اطلاع و فاقد تخصص و توان می‌تواند، اثرات مطلوب‌تری داشته باشد. بدیهی است چنانچه داوری آن‌گونه که مورد نظر خداوند متعال بوده و آن‌گونه که در سوره‌ی شریفه نساء تبیین شده، اجرا شود بی‌شک بسیار مفید خواهد بود و مشکلات امروزه محاکم خانواده و نیز آنچه باعث شده بحث داوری در اختلافات خانوادگی کمرنگ شود و به صورت امری

مشاهده می‌شود، متأسفانه داوری را پس از مراجعه زوجین به دادگاه پیش‌بینی کرده است: «چنانچه اختلاف فی مابین از طریق دادگاه حل و فصل نگردید، رسیدگی به داوری ارجاع گردد» در صورتی که روند باید به عکس باشد. راهکار پیشنهادی اصلاح قانون است، به این نحو که زوجین وقتی حق مراجعه به محاکم و شوراها را حل اختلاف را دارند که بدو با حضور داوران خود در مراجع تخصصی مانند بهزیستی مراجعه نموده و مشاوران بهزیستی، متخصص روانشناسی و مشاوره خانواده و مراکز مداخله در امور خانواده به منظور کاهش طلاق، گواهی نمایند که تلاش داوران و کارشناسان در جهت ایجاد سازش مؤثر نبوده است.

۲- کارشناسان مراکز بهزیستی و یا اعضای شوراها را حل اختلاف به نحوی انتخاب شوند که دارای صبر و حوصله کافی باشند، سواد و اطلاعات و تخصص داشته باشند، از افراد مشهور، معتبر و دارای سوابق مفید باشند، خود متأهل بوده و از زیر و بم مسایل خانوادگی اطلاع کافی داشته باشند، در حالی که متأسفانه این ویژگی‌ها کمتر در کارشناسان امور خانواده دیده می‌شود و بخشی از عدم توفیق ایشان در سازش ناشی از این امر می‌باشد.

۳- محاکم و دادگاه‌ها نیز در خصوص توجیه داوران به تکالیف قانونی و شرعی ایشان دقت کافی به عمل نمی‌آورند که این امر عمدتاً به دلیل تراکم کار و اصرار طرفین و عدم امکانات لازم برای تحقیق در مورد وضعیت داوران است، به نحوی که گاهی افرادی که هیچ تمایلی به عنوان داور ندارند و قصد اصلاح نداشته و دلسوز زوجین نمی‌باشند به عنوان داور مداخله نموده و داوری را تنها منبع

صورتجلسه و نتیجه اقدامات مرکز مشاوره به محاکم خانواده جهت طرح دعوی طلاق ضروری تلقی شود، این موضوع هم داوری را به فلسفه و هدف خود نزدیک می‌کند و هم از اطاله‌ی دادرسی در دادگاه‌های خانواده جلوگیری خواهد نمود.

۷- طرح ایجاد « مراکز عالی مشاوره » در معیت دادگاه‌های خانواده برای مراجعه زوجین قبل از ارجاع پرونده به دادگاه در سه کمیسیون فرهنگی، حقوقی، قضایی و آموزش و تحقیقات مجلس که منتظر مطرح شدن در صحن علنی مجلس است می‌تواند نقش مؤثر و مهمی در کاهش آمار طلاق که به گفته کارشناسان در بسیاری موارد ریشه‌های روحی و روانی دارد، ایفاء کند. زیرا درصد بسیار بالایی از اختلافات ریشه روانی دارد و در بعضی موارد خود افراد نمی‌دانند دارای مشکل هستند و یک روانشناس می‌تواند با مشاوره به کشف این مسأله کمک کند. اگر مراکز مشاوره تخصصی در داخل مجتمع‌های قضایی تشکیل شود و زوجین مجبور به مراجعه به آن باشند، مسلماً موجب کاهش آمار طلاق فراهم خواهد شد. بنابراین برای ریشه‌یابی علل اختلافات به طور تخصصی می‌بایست به آن پرداخت اگر چه در دادگاه بحث داوری و برقراری سازش مطرح بوده، اما تخصصی نبوده است.

منابع

- ۱) آیات قرآن کریم.
- ۲) براتی، طاهره، تأثیر تعارضات زناشویی بر روابط متقابل زن و شوهر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد مشاوره (چاپ نشده) دانشگاه آزاد رودهن (۱۳۷۵).

تشریفاتی و صوری درآید همه ناشی از عدم درک صحیح موضوع و عدم اجرای صحیح بحث داوری است، زیرا خداوند متعال حکیم و بصیر و آگاه است و هر چه عیب و اشکال است ناشی از نقص علم بشر و فقدان درایت و جهل بشریت است که قادر به درک عمق دستورات خداوند متعال نمی‌باشد.

۶- به جهت پیشگیری از طولانی شدن روند دادرسی و عدم تحمیل هزینه‌های اضافی به زوجین، پیشنهاد می‌شود با اصلاح قوانین موجود، داوری فقط در صورتی که قاضی آن را مفید تشخیص دهد یا در صورت درخواست زوجین الزامی باشد. می‌توان گفت واگذار نمودن امر داوری به دادگاه‌ها، اولاً باعث اطاله دادرسی می‌شود و ثانیاً از داوری نتیجه‌ی مطلوب حاصل نمی‌شود زیرا محاکم از طرفی به دلیل تراکم کار، قادر به توجیه داوران نبوده و قدرت بررسی دقیق صلاحیت داوران را ندارند ثانیاً داوری در این مرحله مفید نمی‌باشد وقتی زوجین در دادگاه حاضر می‌شوند و با گرفتن و کیل دادگستری و استفاده از تمام ابزارهای حقوقی و غیرحقوقی، سعی در محکوم نمودن طرف مقابل دارند، حاضر به سازش نمی‌شوند. گرچه تکلیف دادگاه در دعوت طرفین به صلح و سازش را نفی نمی‌کنیم اما پیشنهاد آن است که با توجه به صرف امکانات و بودجه از سوی قوه قضائیه و تأسیس مراکز مشاوره خانواده و با توجه به فضای حاکم بر این مراکز که فضای صلح و سازش بوده و روحیه چیرگی برطرف مقابل در آن وجود ندارد و با توجه به عدم حضور کارشناسان، تکلیف داوری در دعوی طلاق غیر توافقی، نیز قبل از طرح پرونده در دادگاه، به این مراکز واگذار شود و ارائه گواهی و

۱۲) قلیلی رنانی، زهره، بررسی تأثیر شیوه‌های گفتگوی مؤثر و حل مسأله بر تعارض زناشویی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد، (چاپ نشده) دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان (۱۳۸۴).

۱۳) کار، آلن، خانواده‌درمانی، مفاهیم، فرآیندها و شیوه‌های عملی، ترجمه‌ی: مریم‌السادات فاتحی‌زاده (۱۳۸۶).

۱۴) گال مردیت، بورگک والتر، گال جویس، روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه: احمدرضا نصر و همکاران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۷).

۱۵) گیسون، ر. و میشل، م، مبانی مشاوره و راهنمایی، ترجمه باقر ثنایی، تهران: انتشارات بعثت (۱۳۷۷).

۱۶) متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۴۰).

۱۷) مدنی، سید جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش (۱۳۷۲).

۱۸) مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، چاپ سی و چهارم، تهران: انتشارات صدرا (۱۳۸۲).

۱۹) نوریان، علی، پیرامون داوری در دعاوی خانوادگی، خبرنامه‌ی کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره شانزدهم (۱۳۸۶).

۲۰) هدایت نیا، فرح‌اله، داوری اجباری در دعاوی خانوادگی، فصلنامه‌ی فقه و حقوق، سال دوم، شماره هفت (۱۳۸۴).

۳) ثنایی، باقر، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، با همکاری دکترستیلا علاقه‌بند، تهران: نشر بعثت (۱۳۷۹).

۴) خلیلی، مهدی، بررسی تضاد در خانواده (با تأکید بر تضاد میان همسران) و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد (چاپ نشده) دانشگاه الزهرا (۱۳۷۸).

۵) دهقان، فاطمه، مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه کننده برای مشاوره زناشویی غیرمتقاضی طلاق، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد (چاپ نشده) دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی (۱۳۸۰).

۶) رفیعی، حسن و همکاران، روش‌های تحقیق بین رشته‌ای در اعتیاد و سایر مشکلات و انحرافات (آسیب‌های اجتماعی (کیفی و کمی)، چاپ اول، تهران: نشر دانژه (۱۳۸۷).

۷) شیری، زهره، مهارت حل تعارض برای همسران، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور (۱۳۸۷).

۸) صفوی، امان‌اله، کلیات روش‌ها و فنون تدریس، چاپ دوم، تهران: انتشارات معاصر (۱۳۷۰).

۹) ظهیرالدین علیرضا، خدای فر فاطمه، بررسی نیمرخ‌های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران، فیض بهار، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، شماره هفتم (۱۳۸۲).

۱۰) عامری فریده، نوربالا احمد، اژه‌ای علی، جواد رسول زاده، طباطبایی سید کاظم، بررسی تأثیر مداخلات خانوادگی‌درمانی راهبردی در اختلافات زناشویی، مجله‌ی روانشناسی پاییز، شماره هفتم (۱۳۸۲).

۱۱) فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق. چاپ اول، تهران: انتشارات منصوری (۱۳۷۲).

conflict Resolution in Middle Eastern Science-
Between Tradition and modernity, Berlin.

24- Salts, C.j.(1983), Divorce adjustment groups
are not for all divorcees. The personnel and
Guidance journal , September.

25-Carrere,S. Buehlman,K. Gottman,J. Coan,J &
Ruckstuhl,L(2000) Predicting Marital Stability
and Divorce in Newlywed Coples. Journal of
Family Psychology, American Psychological
Association. March.

۲۱) هدایت نیا، فرج‌اله، نقد حکمیت در دعاوی
خانوادگی از مقررات تا اجراء، فصلنامه‌ی کتاب زنان،
شماره بیست و هفتم (۱۳۸۴).

۲۲) یانگ و لانگ، مشاوره و درمان برای زوجین،
ترجمه‌ی: مریم‌السادات فاتحی‌زاده، ایران باغبان،
سیداحمداحمدی (۱۳۸۸).

23-Jalali, Mahmoud. (2006). "Theory and
Practice of Arbitration as a Peaceful Means of
Dispute Settlement in the Iranian Legal System"
Albert H.J. et al. The journal of Conflict and